

Shiite Beliefs as the Foundation of Islamic Civilization- Building Government: A Case Study of the Alawite Government of Tabaristan with Emphasis on Spriggans' Research Method

Morteza Alavian *

Received on: 23/09/2024

Ahmad Jahani Nasab **

Accepted on: 24/12/2024

Abstract

Purpose: The study aims to assess the development of Islamic civilization through a specific historical instance from Iran: the uprising of the Alawite in Tabarestan and the formation of the first Shiite government in the country. This analysis will consider both the intellectual and belief principles of the time, as well as the historical context of that era. The study aims to model a historical case of the Shiite uprising and to theorize its application in today's world. The historical potential for civilization-building, exemplified by the Shiite revolutionary uprisings and the struggle against oppression throughout various eras, can serve as a model for contemporary individuals. By drawing on these lessons, we can advance the goals of Islam and make strides toward human perfection.

Methodology: The theoretical data collection method employed in this study relies on library resources. Additionally, the Spriggans model, as introduced in the book *Understanding Political Theories*, is utilized methodologically. This model comprises four stages: problemology, explanation, idealism, and solutionology. The starting point is to identify political problems and crises and then attempt to resolve them. In the case study of the Alawite government formation, understanding the historical context on one hand and the fundamental beliefs of Shiite Islam on the other is essential. Applying this method can be effective.

Findings: Explaining the background of Shiite beliefs as the foundation for the Islamic civilization and its governance, particularly in light of the Alawite Shiite

* Associate Professor, Department of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author).

m.alavian@umz.ac.ir

 0000-0001-8086-8149

** Postdoctoral Researcher, Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Mehrdad.jahaninasab@gmail.com

 0000-0001-5807-7199



uprising in Tabarestan, the following points have been identified:

1. The four stages of problemology, explanation, idealism, and solutionology are utilized in the Spriggans research method to investigate: 1) the socio-political crises faced by the government during the early centuries of the Islamic era and their underlying causes, and b) the context of the Alawite uprising in response to these crises. 2. According to investigations, there are several cases of government crises, including the government's weakness and the subsequent reduction of key political figures; a lack of unity among Muslims; the usurpation of the Prophet's succession and the marginalization of Al-Hashem; a lack of moderation in decision-making; and the imposition of heavy taxes on the populace. 3. The roots of the current crisis in the Islamic world include a lack of prophetic guidance and improper execution of Islamic principles; a government that lacks religious authenticity yet appears monotheistic, accompanied by inappropriate innovations in Islamic teachings; politics driven by Pan-Arabism, along with racism and the supremacy of Arabs over non-Arabs; and the injustices perpetrated by rulers. 4. Shiites developed their political theories based on the principles of human perfection and the inherent nature of human behavior. To address crises—whether individual or social—they defined their ideal political system as a continuous leadership grounded in justice, committed to combating oppression. The uprisings of the Shiites were not aimed at establishing a repressive government; rather, they sought to revive their religion, address the tyranny of the caliphs towards Al-Hashem, and renew the traditions of the Prophet. From a theological perspective, the philosophy of Shiite history represents an ongoing struggle between right and wrong, a struggle that extends to the present day. This continuous leadership system is intended to promote justice and unity. 5. The Shiite belief system, rooted in a monotheistic worldview, emphasizes the ideal of combating injustice and oppression. Consequently, it is essential to establish an Islamic system that fosters civilization in a world rife with chaos and cruelty.

Conclusion: The results of the study indicate that the formation of the Alawite government in Tabarestan was influenced by the religious inclinations of the Shiites, specifically the Zaidi Shiites. Beyond the evident political and geographical factors, it appears that the Zaidi religious beliefs, along with their unique interpretation of the conditions for leadership and the prevailing governmental discourse, motivated the establishment of a mobilizing ideology. This, in turn, facilitated the formation of the Alawite revolutionary government in Tabarestan, which aimed to combat oppression and establish a just military presence. Consequently, the socio-political crises of the early centuries of Islam—including sectarian conflicts, societal disunity, and the absence of a strong central government—contributed to the government's weakness.

Keywords: Tabarestan's Alavid; Zaidi; Spriggans method; leadership; Shiite's revolutionary movement; Justice; Islamic civilization- making.

بسترهای اعتقادی شیعه به مثابه بنیان حکومت تمدن ساز اسلامی: موردکاوی حکومت علویان طبرستان با تأکید بر روش جستاری اسپریگنز

مرتضی علویان *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

احمد جهانی نسب **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

چکیده

تمدن سازی اسلامی را از ابعاد مختلفی می توان بررسی کرد. نوشتار حاضر درصدد است تمدن سازی اسلامی را با مصداقی عینی در تاریخ ایران اسلامی با توجه به بسترهای فکری و اعتقادی شیعه ارزیابی کند. از جمله مهم ترین جنبش های شیعی در ایران که در برابر خلافت عباسی و امارت های آن ایستادگی کرد، نهضت علویان طبرستان بود که به عنوان نخستین حکومت شیعه در ایران نیز شناخته می شود. بنابراین مسئله پژوهش حاضر چنین تدوین شده است که زمینه های اعتقادی شیعه در جهت روی کار آمدن علویان طبرستان چه بوده است. لذا ضمن بهره مندی از مدل چهارگانه اسپریگنز به روش تحلیلی و تاریخی در چهار محور مشکل شناسی، تحلیل شناسی، آرمان شناسی و راه حل شناسی چنین نتیجه گیری شد: روی کار آمدن حکومت علویان در طبرستان متأثر از گرایش های مذهبی شان یعنی شیعه زیدیه بوده است. فارغ از عوامل گویای جغرافیایی و سیاسی، به نظر می رسد باورهای اعتقادی و کلامی فرقه زیدیه متقدم در زمینه امامت و تفسیر خاص آنان از شروط امام، با توجه به عملکرد گفتمان غالب و مسلط دستگاه خلافت، انگیزه تأسیس ایدئولوژی بسیج گر و متعاقب آن، تشکیل حکومت انقلابی علویان طبرستان را با هدف مقابله با ظلم و ستم خلفا و استقرار نظامی عادلانه فراهم ساخته است؛ بنابراین بحران سیاسی اجتماعی قرون نخستین اسلام از جمله اختلافات فرقه ای و عدم وحدت جامعه اسلامی و نیز نبود دولت مرکزی نیرومند، در نهایت به ضعف دستگاه خلافت انجامید که خود حاصل فقدان رهبری امامت به مثابه استمرار نبوت و اجرا نشدن درست قوانین شریعت و بی عدالتی حکام بود؛ از این رو مقاله حاضر مبنای اصلی خیزش علویان طبرستان را به عنوان الگوی تمدن ساز اسلامی در بسترهای فکری و اعتقادی مذهب تشیع جست و جو کرده است که این امر، به خودی خود بسترهای تاریخی آن عصر جهان اسلام را نیز مورد توجه قرار می دهد.

کلمات کلیدی: علویان طبرستان، زیدیه، روش اسپریگنز، امامت، نهضت انقلابی شیعی، عدالت، تمدن سازی اسلامی.

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول).

0000-0001-8086-8149

m.alavian@umz.ac.ir

** پژوهشگر پسادکتری علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

0000-0001-5807-7199

Mehrdad.jahaninasab@gmail.com



بیان مسئله

نخستین حکومت مستقل شیعی که از میان سراسر نواحی ایران، در طبرستان و دیلمان شکل گرفته بود، به عنوان سرآمد و پیشرو مبارزه با جور و ستم خلفا و امرای تحت فرمان آن‌ها و استقرار حکومتی شیعی و اجرای صحیح احکام شریعت شناخته می‌شود. علویان طبرستان در تاریخ ایران اسلامی و همچنین تاریخ مازندران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ چراکه توانستند نخستین جنبش اجتماعی مردم بومی آن دیار را با زمینه‌های ایدئولوژیک مذهبی خود در قالب تفکر شیعی به جهت تغییر وضع موجود و مبارزه با استبداد حکام و امرای به حرکت درآورند و نخستین حکومت شیعی زیدی را در ایران تشکیل دهند.

از آنجاکه علویان طبرستان زیدی مذهب بودند اما موضع ائمه (ع) در قبال آنان موضع تکذیب یا نفع نبود، کسانی چون حسن بن زید و محمد بن زید خود را امام مفترض الطاعه نمی‌دانستند و حکومت را جز برای اقامه عدل و مبارزه با ستمگری نمی‌خواستند. همان‌طور که در برخی از منابع آمده است، امام حسن عسکری (ع) شیعیان را به تحمل و مدارا با حکومت حسن بن زید تشویق می‌کرد (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹، ص ۱۰). شیعیان با بن‌مایه‌های اعتدالی و عدالت‌خواهی چه در معنای برابری و عدالت اجتماعی و چه در معنای دفع جور و ستم، توانستند بخش عظیمی از مردم را با خود همراه سازند و با تئوریزه کردن ایدئولوژی بسیج‌گر، به تشکیل حکومت بپردازند. چنین مسئله‌ای درخصوص شناسایی عوامل تشکیل حکومت علویان در طبرستان ما را بر آن داشت تا در این نوشتار از نقطه نظر متفاوتی به بررسی موضوع بپردازیم و نقطه عزیمت مسئله پژوهشی را در چرایی تشکیل حکومت علویان طبرستان، عقاید و باورهای مذهبی‌شان قرار دهیم. همین امر انگیزه نوشتار حاضر را از جهت الگوسازی تمدن اسلامی در عصر جدید با توجه به بسترهای عقیدتی شیعه و نهضت انقلابی و عدالت‌خواهانه آن شکل داده است؛ در یک معنا عدالت، قانونی عام است که از جمله خواست‌ها و نیازهای درونی انسان‌هاست و تمام انسان‌ها خواستار تحقق آن و برائت از نابرابری و ستم هستند و نابرابری را نیز نوعی ستم تلقی می‌کنند.

براین اساس عدالت بار معنایی سیاسی و اجتماعی نیز به خود می‌گیرد و حرکت بسیاری از نهضت‌ها و قیام‌های مبارزاتی جهت رهایی از حاکمیت‌های ظالمانه و بیدادگر می‌شود. عدالت را

می توان در روابط انسان با خویش، انسان با خدا و انسان با هموعانش مورد توجه قرار داد، اما در روابط میان حکومت و مردم و نقش حاکم در برقراری و تدبیر این روابط تبلور جدی می یابد. لذا این پرسش اصلی مطرح می شود که زمینه های اعتقادی و کلامی شیعه در جهت روی کار آمدن علویان طبرستان چه بوده است و چه وجهی از عقاید شیعی را می توان الگویی برای حکومت های تمدن ساز اسلامی قلمداد کرد؟ لذا برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش جستاری اسپریگنز در چهار محور، مشاهده بحران در سامان سیاسی اجتماعی جامعه مسلمان و حکومت اسلامی، ریشه های بحران، ارائه راه حل و ترسیم جامعه ای مطلوب با نگاهی به بسترهای اعتقادی شیعه و شرایط تاریخی آن عصر ارزیابی شده است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که باورهای اعتقادی و کلامی شیعی بر مبنای جهان بینی توحیدی با تشکیل حکومتی مبتنی بر آموزه های اسلامی، آرمان مقابله با هرگونه بی عدالتی و ستم پیشگی را در سر دارد و برای تحقق عملی آن تلاش می کند. لذا آن را در مباحث حول محور امامت و در زمان غیبت، جانشینان شایسته او جست وجو می کنند؛ از این رو بررسی مبحث امامت در کلام سیاسی شیعی به طور اعم و فرقه زیدیه به طور اخص، مبنای نوشتار حاضر است.

۱. پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقاتی که در این زمینه به نگارش در آمده اند، عبارت اند از: ۱. مقاله «عوامل اقتدار و مشروعیت حکومت علویان طبرستان» (رضوی و آذر، ۱۳۹۵) با استفاده از تحلیل داده های تاریخی، به بررسی مشروعیت و اقتدار علویان در طبرستان پرداخته است و اینکه آنان مشروعیت خود را نه از خلافت عباسی که با استناد به نسب پیامبر و توسل به مذهب تشیع کسب کردند. ۲. در پایان نامه دانشگاهی کارشناسی ارشد رشته تاریخ با عنوان «مناسبات شیعیان امامی و زیدی در دوره علویان طبرستان و آل بویه» (نقابی، ۱۳۹۳) آمده است که مناسبات بین این دو فرقه شیعه در عصر علویان طبرستان و آل بویه علاوه بر حوزه های سیاسی، بیشتر در حوزه فرهنگی بوده است. لذا چگونگی روابط شیعیان امامی و زیدی در این عصر در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی این پایان نامه است. ۳. مقاله «علل روی آوردن علویان به مازندران» (شایسته فر، ۱۳۸۱) تحقیق دیگری است که در راستای نوشتار حاضر انجام گرفته است. از جمله عواملی که برای ورود علویان به این دیار ذکر شده است، شرایط جغرافیایی و سوق الجیشی آن سرزمین بوده که پناهگاه

امنی برای مخالفان و مبارزان خلافت عباسی محسوب می‌شد. سادات علوی به دلیل فشارها و آزار خلفای عباسی ناچار به پناه بردن به سمت نواحی کوهستانی طبرستان و دیلم شدند و سرانجام حکومت آن سامان را به دست گرفتند. ۴. در «ضرورت‌شناسی مطالعات تمدنی در اندیشه امامت» (علی‌نقی و رهدار، ۱۴۰۳) دلایل اهمیت مطالعات تمدنی در بحث امامت بررسی شده است. این مسئله که اندیشه امامت در مصاف با گفتمان‌های رقیب چه دستاوردی داشته است و فواید آن برای مطالعات تمدنی چه بوده است. این پژوهش در حوزه تمدنی و پرداختن به نقش امامت در آن از تحقیقات درخور توجه است. ۵. مقاله «ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی با تأکید بر پنج قرن نخست هجری» (یاوری سرتختی، ۱۳۹۸) نقش نظام آموزشی امامیه را بررسی می‌کند و از آن به‌عنوان موتور محرک و ظرفیت‌ساز شکل‌گیری و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی دفاع شده است.

همین‌طور بررسی تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که آثار بسیاری برای بررسی عوامل قدرت‌گیری و حکومت‌سازی علویان در طبرستان از یک‌سو و ظرفیت‌های تمدن‌ساز اسلامی ازسوی دیگر صورت گرفته است، اما صرفاً عوامل طبیعی، سیاسی و سرزمینی مد نظر پژوهندگان بوده است. این در حالی است که نوشتار حاضر در تلاش است تشکیل حکومت علویان در طبرستان را با مذهب و فرقه‌ای که متعلق به آن هستند، پیوند زند و عوامل آن را در اندیشه و سنت فکری تشیع به‌ویژه فرقه زیدیه ردیابی کند. در واقع تلاش شده است تمدن‌پژوهی با امامت‌پژوهی آمیخته و ارزیابی شود. به بیانی دیگر، سهم مقاله حاضر تبیین مسئله امامت در کلام سیاسی شیعه است و آن را براساس آموزه‌ها و متون دینی به روش عقلی و دین‌پژوهانه مورد مذاقه قرار داده است. لذا ازاین‌جهت نو بودن مقاله محرز می‌شود که الگوی عملی حکومت تمدن‌ساز اسلامی با یک مصداق عینی در بستر تاریخ ایران اسلامی یعنی تشکیل نخستین حکومت شیعی ظرفیت‌سنجی شده است.

۲. روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر از حیث هدف، به روش بنیادی نظری از طریق گردآوری داده‌های کیفی به‌شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین به روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیری و دین‌پژوهانه،

درصد شناسایی و تبیین عوامل تشکیل حکومت علویان در طبرستان است. براساس این رویکرد، فهم و شناخت روابط بین پدیده‌ها شامل سطوح مختلفی است و هر پژوهنده با توجه به میزان فهم خود، تفاسیر گوناگونی می‌تواند از مسئله پژوهش ارائه دهد. ضمن اینکه در فرایند پژوهش تلاش شده است تا با تمرکز بر روش اسپریگنز و با بهره‌گیری از روش تحلیلی و تاریخی، به پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود.

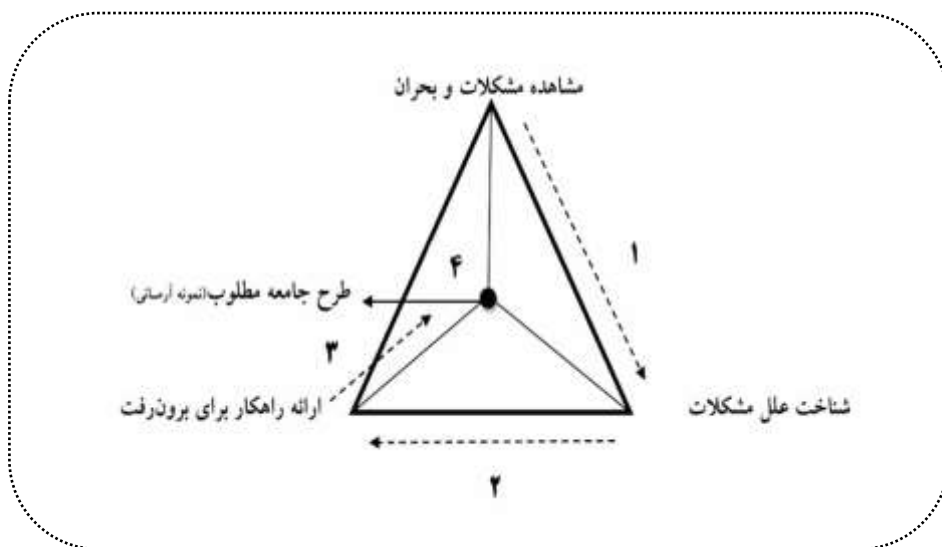
۳. چهارچوب نظری

منظور از منطق درونی در روش فهم نظریه‌های سیاسی اسپریگنز، فرایندهای درونی شکل‌گیری اندیشه سیاسی یک نظریه‌پرداز و فهم آن در بستر سیاسی اجتماعی است؛ از این رو پرسش اصلی در روش جستاری اسپریگنز این است که مشکل و بحران یا به بیانی دیگر، دغدغه نظریه‌پرداز و متفکر سیاسی کدام است؟ در فرایند روش‌شناسی و تحلیل اسپریگنزی، چهار مرحله وجود دارد: نخست محقق باید بحران‌ها و بی‌نظمی‌های زمانه را تشخیص دهد و در مرحله دوم به تعلیل ریشه‌های آن بپردازد. پس از شناخت علل بحران‌ها، در قدم بعدی برای برون‌رفت از آن به ارائه راهکار مبادرت ورزد. در نهایت اندیشمند طرح جامعه مطلوب خود را مطرح می‌کند. اساساً در این مرحله نمونه آرمانی اندیشمند به عنوان رویکردی تجویزی معین می‌شود. منطق درونی با منطق بازسازی شده مرزهای نزدیکی دارد، لیکن نمی‌توان آن‌ها را یکسان انگاشت. درواقع منطق بازسازی شده بدون استفاده از پویایی منطق درونی به مثابه بعد وجودی نظریه سیاسی، چیزی جز تصویر آرمانی از موضوع نیست (ر.ک: اسپریگنز، ۱۳۹۸، صص ۳۱-۳۴). مرکز ثقل و نقطه شروع اسپریگنز در کتاب فهم نظریه‌های سیاسی در وهله نخست شناخت بحران و مشاهده مشکلات و تلاش برای برون‌رفت از آن است.

اندیشه از آسمان فرود نمی‌آید و در درون‌نگری ناب در چله‌نشینی اندیشه‌پرداز ساخته نمی‌شود. اندیشه‌ها همواره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و آشکار و پنهان با شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی پیوند دارند، غالباً بازتاب آن‌اند و در اغلب موارد به‌صورتی کم‌وبیش همخوان با آن هستند. اما وقتی اندیشه‌ای پدید آمد، ساختار گرفت و موجودیتی کم‌وبیش منسجم شد، دارای هویت مستقل می‌شود و دینامیسم درونی خود را پیدا می‌کند و با آن رشد و تکوین می‌یابد

(جابری، ۱۳۹۱، ص ۹۹). به عقیده اسپریگنز، تقریباً تمام نظریه پردازان سیاسی از مشاهده بی‌نظمی و بحران در زندگی سیاسی آغاز کرده و آثارشان را در زمانی نگاشته‌اند که جامعه‌شان دچار بحران بود (برزگر، ۱۳۸۳، ص ۴۸)؛ از این رو نقطه آغاز، فهم بحران و مشکلات موجود است که خروجی آن را در طرح جامعه مطلوب می‌توان مشاهده کرد؛ بنابراین اندیشمند سیاسی برای رهایی از بحران و گذر از وضعیت فعلی، پس از ارائه راهکار به طرح‌ریزی جامعه جایگزین اقدام می‌کند و شالوده‌های جامعه مطلوب خود را شکل می‌دهد. پس بررسی شرایط تاریخی و بیرونی آن عصر در فهم وضعیت زمانه می‌تواند راهگشا باشد؛ بنابراین در فهم نظریه‌پردازی سیاسی اندیشمندان تأکید اصلی بر این است: «اندیشه‌ها را نمی‌توان به امور بالعرض فروکاست و نسبت آن را با طبیعت و زمانه اندیشمند انکار کرد. متفکر ضرورتاً در ماهیت دوران تاریخی خود و لوازم و ضروریات آن به تفکر می‌پردازد» (طباطبایی، ۱۳۶۷، صص ۱۷-۱۸).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نقطه آغازین، کشف و مشاهده بحران و بی‌نظمی و واکاوی دقیق وضعیت زمانه است. در واقع اندیشمند مانند کارآگاه به سرنخ‌هایی می‌خواهد برسد که او را در طرح جامعه آرمانی و راه‌حل‌شناسی یاری دهد. او باید به دنبال علل اصلی مشکلات و بحران فعلی باشد تا برای رهایی و تغییر وضع موجود، راهکارهای منطبق با آن را ارائه دهد. اندیشمند سیاسی در آغاز کار ممکن است با انبوهی از سؤالات بی‌پاسخ درباره وضعیت موجود مواجه شود. در واقع پاسخ به این سؤالات نخستین قدم در علت‌شناسی نابسامانی و مشکلات است. مثلاً هابز علل نابسامانی عصر خود را در انگلستان، در پویایی اشتیاق و نیازهای انسان می‌داند که از سرشت قدرت‌طلب او در صیانت نفس خود سرچشمه می‌گیرد. این امر اختلاف‌ها و انشقاق‌های بین منافع اتباع را بیشتر می‌کند و جنگ‌های داخلی به بار می‌آورد که بایستی تشکیلات دولت (لویاتان) آن‌ها را مهار کند (اسپریگنز، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰). لذا با وفاداری به روش چهارگانه اسپریگنز در نوشتار حاضر، نخست وضعیت خلافت عباسیان و نسبت شیعه به‌ویژه علویان طبرستان با آنان بررسی شد و سپس نحوه مواجهه آن‌ها با دستگاه خلافت و امرای محلی تحت فرمانشان تحلیل شد؛ یعنی توأمان علاوه بر بررسی بسترهای تاریخی قرون دوم و سوم هجری در جهان اسلام، بر زمینه‌های اعتقادی به‌ویژه کلام سیاسی مذهب تشیع در بحث رهبری امامت مستمر و رویکرد عدالت‌خواهانه آن تأکید فراوان صورت گرفت. بر این اساس چهارچوب تحلیلی بحث را در قالب یک نمودار کلی چنین می‌توان ارائه کرد:



نمودار (۱): چهارچوب تحلیلی بحث: مدل چهارگانه اسپریگنز (جهانی نسب، ۱۴۰۱، ص ۶۰)

۴. سیر تاریخی شکل‌گیری حکومت علویان طبرستان

مهاجرت علویان از زمان خلافت مأمون به‌ویژه پس از دعوت او از علی بن موسی الرضا (ع) به ولایتعهدی در سال ۲۰۱ هجری شدت بیشتری گرفت. مقصد ابتدایی مهاجران خراسان بود، اما وقتی خبر شهادت آن حضرت آشکار شد، خط سیر مهاجرت سادات حسنی و حسینی به طبرستان تغییر یافت (مجد، ۱۳۸۶، ص ۴۱). دلیل پناه آوردن علویان به این منطقه آن بود که سپاهیان عباسی قدرت نفوذ در آن دیار را نداشتند. افزون بر آن، دشمنی دیلیمان با عباسیان سبب شد تا آنها علویان را به دشمن تحویل ندهند (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۵، ص ۴۴). سرسلسله دودمان علویان طبرستان که نخستین اشاعه‌دهنده فرقه زیدیه در ایران بود، حسن بن زید ملقب به داعی اول یا داعی کبیر بود که مقارن با خلافت مستعین بالله در سال ۲۵۰ هجری ظهور کرد. عوامل زیادی را برای قیام حسن بن زید آورده‌اند؛ اما آنچه مسلم است، مبارزه علیه بیدادگری و ظلم و تعدی خلافت عباسی و عاملان مستعین بالاخص محمد بن اوس بلخی بود که به بالاترین حد خود رسیده بود و نارضایتی مردم تغییر گرایش دینی را بیشتر ساخت.

وضعیت جغرافیایی طبرستان که برای پذیرش پناهندگان مکان مناسبی بود، خروج آنها را نیز

تسهیل می‌کرد و آنان می‌خواستند که مستقل حکومت کنند و همواره عقایدی به دور از عقاید تحمیلی خلافت و مرکزیت بغداد داشته باشند. به عقیده صاحب اعیان‌الشیعه، ضعف خلفای عباسی، اختلاف و تشتت آرا و جور و ستم اعیان ایشان ظهور این دولت را تسهیل کرد. این دولت در اشاعه اصول و فروع مذهب اهل‌البیت (ع) تأثیرگذار بود (حکیمیان، ۱۳۴۸، صص ۷۴-۷۵). مردم دارفو و لپرا که از ظلم و ناجوانمردی محمدبن‌اوس به تنگ آمده بودند، چون رفتار و پرهیزکاری و علم سادات آن نواحی را می‌دیدند، با خود می‌گفتند که همه آنچه روش مسلمانی است، دارند. پس به همراه مردم روستاهای دیگر نزد محمدبن‌ابراهیم بن‌علی بن‌عبدالرحمن بن‌القاسم بن‌الحسن بن‌زید بن‌الحسن امیرالمؤمنین علی (ع) که در رویان بود، رفتند و از او خواستند که قیام کند. به او گفتند که ما با تو بیعت می‌کنیم به این امید که به برکات تو، خداوند این ظلم را از ما برطرف کند. او گفت که شایستگی قیام ندارد؛ اما دامادش حسن بن‌زید بن‌اسماعیل مشهور به حالب‌الحجاره را برای این کار فردی شجاع، باکفایت و دانشمند و کارآزموده می‌دانست. لذا نامه‌ای با دست‌خط خود نوشت و فرستاده‌ای به ری فرستاد (مهرآبادی، ۱۳۸۲، صص ۱۵-۱۶).

بعد از مرگ حسن بن‌زید، دامادش سیدابوالحسین برای مدت کوتاهی به جای وی نشست. دیری نگذشت که به دلیل فرمانروایی ظالمانه او مردم طبرستان نامه‌هایی پی‌درپی برای محمدبن‌زید نوشتند. او در سال ۲۷۱ هجری به ساری و سپس آمل رهسپار شد و در این اثنا سیدابوالحسین به دیلم پناه برد. محمدبن‌زید به جنگ اسپهبد رستم سوگند یاد کرد تا سپاهی جمع‌آوری نکند و دارایی‌اش را به محمدبن‌زید دهد و خراج‌های پرداخت‌نشده را بپردازد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، صص ۲۴۹). مدت حکومت ابوالحسین ده ماه بود. زمانی که محمدبن‌زید بر حکومت نشست، دستور داد تا وی را زندانی کنند و بقیه کارگزارانش را امان دهند. سپس همه اموالی را که آنان برده بودند، خواست تا برگردانند (مهرآبادی، ۱۳۸۲، صص ۴۸-۴۹).

الاطروش ابومحمدالحسن بن‌علی معروف به ناصرالکبیر و ناصرالحق در میان مردمان گیلان و دیلمان صاحب نفوذ و قدرت بسیاری بود که پس از کشته شدن داعی صغیر به خون‌خواهی او برخاست و با گروهی از پیروان گیلان خود به دیلمان آمد و دیلمیان و محمدهارون نیز با او همراه شدند و رو به راه طبرستان نهادند تا اینکه امیراسماعیل سپاهی را مأمور دفع ناصر کرد؛ بنابراین ناصر و محمد در این جنگ شکست خوردند. البته گفته‌اند محمدهارون پس از این شکست به

دیلمان رفت و به پیشنهاد مردم ری پس کشتن حکمران آن دیار، آنجا را از دست عمال خلیفه عباسی خارج ساخت (برزگر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰). ابن شهر آشوب ساروی در کتاب معالم العلماء در وصف ناصر کبیر به عنوان مهم ترین چهره دودمان نبوت و عالم فقیه و متکلم امت در باب من النون إلی الیا آورده است: «الناصر الحق پیشوای زیدیه او راست کتاب هایی بسیار که از جمله آن کتاب الضلالمه الفاطمیه است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳، ص ۱۲۶).

وی دارای آثار متعددی بود و بنیان گذار مکتبی فقهی کلامی شد که در زیدیه پایدار ماند. مکتب او تحت تأثیر آرای مکتب امامیه بود، اما به هر حال در قلمرو باورهای زیدیه قرار داشت. کتب و آثار اطروش بعد از فوتش به عنوان میراث زیدیه باقی ماند که معروف به مکتب ناصریه شد (جعفریان، ۱۴۰۰، ص ۳۱۳). در نهایت، آخرین والی علویان طبرستان را که داماد ابوالحسین احمد ناصر بود، ابومحمد الحسن بن قاسم ملقب به داعی الی الحق گویند که همانند حسن بن زید العلوی و برادرش محمد بن زید از سادات حسنی العلوی و ناصر الکبیر و خاندانش از سادات حسینی العلوی بوده اند. گفته اند که ناصر نخستین کسی بود که مذهب شیعه را در طبرستان و گیلان و دیلمان پدید آورد و حسن بن قاسم نیز در تقویت آن می کوشید (برزگر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸). پس از کشته شدن حسن بن قاسم در سال ۳۱۶ هجری چند تن از سادات طبرستان اندک زمانی بر این منطقه حکمرانی کردند؛ اما ره به جایی نبردند. لذا سروری و حکومت علویان طبرستان که از سال ۲۵۰ تا ۳۱۶ هجری به مدت ۶۶ سال بود، عبارت است از: حسن بن زید العلوی (داعی کبیر) از ۲۵۰ تا ۲۷۰ هجری، برادرش محمد بن زید العلوی (داعی صغیر) از ۲۷۰ تا ۲۸۷ هجری، حسن بن علی (ناصر کبیر) از ۲۸۹ تا ۳۰۴ هجری و حسن بن قاسم (داعی الی الحق) از ۳۰۴ تا ۳۱۶ هجری.

از گروه علویان بعدها دو سید بزرگوار شیعه مذهب دوازده امامی در دو خطه از مازندران به ریاست و سلطنت برخاستند که یکی از آنها میر قوام الدین در آمل و دیگری میر عماد الدین در هزار جریب بود (موحد ابطحی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۹). خلاصه آنکه علویان خلافت را حق خود می دانستند و به صورت مستمر مردم را دعوت می کردند و دستگاه خلافت عباسی را مدام به زحمت می انداختند. ایرانیان با «لالحب علی بل لبغض بنی عباس» قصد حمایت پیش انداختن علویان را داشتند تا تمامی مخالفان بنی عباس را پشت سر آنان بکشاند و به استقلال ایران منجر شوند. آنان بنا به قاعده «دوستی کن با هر کس که دشمن دشمن باشد» از علویان حمایت کردند.

ضمن اینکه علویان با دیلمان و پناه بردن به سرزمین آنان و موقعیت کوهستانی منطقه با اهالی آنجا رابطه برقرار کردند. ازجمله قیام یحیی بن عبدالله علوی در سال ۱۷۵ هجری در دوره خلافت هارون بود. این همدستی ملی با علویان سرانجام منجر به پیدایش اسلام توسط دیلمیان و طبرستانیان شد که آن‌ها در مبارزه با جور هم شمشیر زدند (انصاف‌پور، ۱۳۵۹، ص ۲۱۸). این گونه بود که علویان مهاجرت خود را به سرزمین ایران در طی مدتی انجام دادند و با گرایش‌های شیعی و نگرش‌های انقلابی خیل عظیمی از مردم رنج‌کشیده را از مرکزیت دستگاه خلافت و امرای آن‌ها در منطقه به‌سوی خود کشاندند و موفق به تشکیل حکومت مستقل از مرکز شدند. درواقع آن‌ها تظلم‌خواهانی بودند که مخالفت خود را از طریق تشکیل حکومت اسلامی علیه خلافت عباسی نشان دادند و استقرار عدالت را جز با نظام‌سازی تحت رهبری امامت مبارز امکان‌پذیر نمی‌دانستند.

۵. نهضت انقلابی شیعه و شکل‌گیری نخستین حکومت شیعی (تحلیل اسپریگنزی)

۱-۵. مشکل‌شناسی

فعالیت علویان در قالب اعتقادات کلام سیاسی زیدیه به چنان درجه‌ای رسیده بود که آنان جنبش و قیام ضد دشمنان آل علی (ع) یعنی امویان و عباسیان را با شمشیر و پیکار مسلحانه تأیید می‌کردند و رهبر و پیشوایی را که در میدان جنگ به مبارزه و مقابله با حکام ظالم نپردازد امام نمی‌دانستند. لذا برخلاف شیعیان امامی که همواره از راه استقلال و تعقل و تأثیر فکری سعی در حقانیت و رهبری داشتند، تلاش و کوشش مبارزه‌جویانه‌ای علیه خلفای عباسی کردند (حقیقت، ۱۳۵۹، صص ۶-۷). پیدایش حکومت علویان مبتنی بر عواملی بود که فقدان هرکدام منجر به تضعیف و اضمحلال آن می‌شد. علویان طبرستان در اوضاعی به قدرت رسیدند که ستم و بدرفتاری حکام عباسی موجب نارضایتی و انزجار مردم از آن‌ها شده بود. در مقابل، سادات علوی با خوش‌رفتاری، درست‌کاری و توانمندی علمی و عملی موفق به دور کردن مردم اهالی از عباسیان و طاهریان و پیوستن به خود شدند (معلمی، ۱۳۹۸، ص ۹۹). عاملان مالیاتی نیز در طبرستان، در تعیین مقدار و نوع خراج عرصه را بر مردم محدود کردند و به بهانه‌های مختلف با افزایش مقدار آن، موجب نارضایتی و عصیان مردم آن نواحی شدند. این والیان به کمک دهقانان و دیوانیان محلی که همواره واسطه ارتباط حکومت با مردم بودند، مأموریت خود را به انجام می‌رساندند (شجری و پیری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰).

در سراسر هزار جریب دودانگه و چهار دانگه، سوادکوه، رستمدر و دیلم که کوه‌های جنوبی از چالوس تا تنکابن به طرف الموت قزوین کشیده شده است، حکام و شاهان محلی حکومت می‌کردند. نمایندگان خلیفه در طبرستان از مردم باج و خراج می‌گرفتند و قریب به یک قرن میان آن‌ها با حکام و شاهان محلی قهر و آشتی، جنگ و گریز، دعوا و نزاع وجود داشت. دشت ساحلی طبرستان هم تماماً در خدمت اعراب نبود، بلکه قیام‌ها و شورش‌هایی در قالب وحدت و همبستگی مردم اهالی و عقاید و باورهای دینی علیه اعراب انجام می‌شد. اعراب و دستگاه خلافت بغداد نیز هر چند وقت هوس تصرف کوهستان‌های طبرستان را می‌کردند... بیشتر این کشورگشایی‌ها و فتوحات در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس صورت گرفت که سیاستشان بر پایه پان‌عربیسیم و نژادپرستی و برتری‌طلبی عرب بر غیرعرب و تحقیر ملل دیگر استوار بود. بنی‌عباس اخلاف بنی‌امیه، ظالم‌تر از آنان بودند و اطرافیان و قوم و قبیله خودشان آرزوی ظلم بنی‌امیه را می‌کردند و عطای حکومت ستمگر عباسیان را به لقایشان می‌بخشیدند (اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۲۴۰-۲۴۱). به‌طور مثال متوکل تنها به ریختن خون شیعیان علی(ع) بسنده نکرد، بلکه نسبت به ائمه بزرگ شیعیان علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و حسین‌بن‌علی(ع) که مورد تکریم قاطبه مسلمانان متقی شیعه و سنی بود، کینه و جسارت می‌ورزید. در جهت تحقق این هدف، در سال ۲۳۶ هجری مرقد مقدس حسین‌بن‌علی(ع) در کربلا را تخریب و زائران را از زیارت عتبات منع کرد (طبری، ۱۳۸۸، صص ۱۴۰۶-۱۴۰۷). او با کارهایی از جمله تخریب قبور حسین‌بن‌علی(ع) و خانه‌های اطراف آن و بازداشتن مردم از زیارت قبر آن حضرت، تصور می‌کرد که محبت اهل‌بیت(ع) را می‌تواند از دل مردم بیرون کند. متوکل که دشمن سرسخت علویان و شیعیان بود، به والی مصر نوشت که فرزندان ابوطالب را از مصر به عراق تبعید کنند و سپس آن را از عراق به مدینه منتقل سازند. عمال دولتی نیز برای خشنودی خلیفه، شیعیان را آزار می‌کردند (اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴).

در این دوران علاوه بر اهانت به نخستین امام شیعیان و آل ایشان، عالی‌مقام‌ترین و شریف‌ترین علمای ربانی مانند بزرگ بخاری در معرض تهمت واقع شده و تنها برای اتهام ناروای بدعت‌گذاری در دین سخت شکنجه و تعقیب می‌شدند؛ بنابراین اکثر بزرگان و رهبران شیعه‌مذهب اعم از زیدی و اسماعیلی و دوازده‌امامی و فرزندان و نوادگان آن‌ها برای نجات از تعقیب عمال خلافت، پنهانی به ایران رهسپار می‌شدند و مردم ایران بالاخص نواحی شمال و شمال شرق کشور از علویان استقبال می‌کردند (حقیقت، ۱۳۵۹، ص ۴۴). مأمون و تلاش‌های متظاهران و زودگذر وی

به گرایش‌های شیعی و ترویج علوم عقلی نتوانست برادرکشی او را در انظار عامه مردم توجیه کند. خلافت واثق و معتصم هم قدرت خلیفه را دستخوش دگرگونی ساخت. دستخوش تعصبات فرقه‌ای و توطئه‌های درباری و همین‌طور غلبه ترکان در عهد متوکل اندیشه استقلال‌جویی در اطراف قلمرو آل عباس را در اذهان ناراضیان نسبت به دستگاه خلافت تقویت کرد (بیات، ۱۳۶۳، ص ۹۷).

زمانی که متوکل درگذشت، فرزندان وی به اختلاف افتادند و تفرقه میان آن‌ها ظاهر شد و سادات از هر طرف خروج کردند و از آن جمله یحیی بن عمر بن یحیی بن الحسن بن زید بن زین العابدین (ع) در کوفه بود که در طریقه و مذهب زیدیه دعوی امامت کرد و در گیلان وی را یحیی علیه السلام می‌خواندند. وی که مردی فاضل و شجاع و عالم و سخی بود، دلیل خروج خود را نه جمع‌آوری مال و امرارمعاش روزانه بلکه رضای خدا می‌دانست؛ چون معتقد بود که دین، ضعیف و نحیف شده و شرع شریف، منیف و منسوخ شده و از میان رفته است. لذا متتصر خلیفه عباسی، محمد بن عبدالله طاهر را به جنگ با وی فرستاد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳، ص ۱۱۹). همچنین پس از ولایتعهدی علی بن موسی الرضا (ع) سادات حسنی و حسینی علویان به سمت خراسان حرکت کردند و پس از شهادت آن حضرت، مورد تهدید و تعقیب مأمون قرار گرفتند. برخی پناهنده به کوه‌های طبرستان شدند و برخی دیگر نیز، به همراه سید جلال‌الدین اشرف برادر امام رضا (ع) به دیلمان عزیمت کردند؛ اما در زمان متوکل عباسی مهاجرت علویان به طبرستان شدت بیشتری یافت (کنارودی، ۱۳۹۸، ص ۹۳).

۵-۲. تحلیل‌شناسی

در بحث علت‌شناسی، این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به بسترهای تاریخی ایران اسلامی در قرون نخستین، دلیل بحران و نابسامانی سیاسی چه می‌تواند باشد؟ در این دوران، نه تنها بین خلیفه به‌عنوان رهبر معنوی و سلطان به‌مثابه رهبر دنیوی سازگاری وجود نداشت، بلکه فقدان پیروی خلیفه از شریعت و افزایش تزویر و ریا، اعتماد مردم را نسبت به آن‌ها سلب کرد و منجر به زوال خلافت شد؛ بنابراین فقدان نبوت در سیاست و عدم اجرای درست قوانین شریعت و نبود مقام امامت در رأس اداره امور حکومت از یک‌سو و کشمکش بین دین و فلسفه از سوی دیگر موجب قیام علیه رژیم‌های سیاسی زمامه شد. هیچ‌یک از این حکومت‌ها مطلوب و مد نظر شیعیان

نبود؛ چراکه فاقد یک رهبر دینی و فلسفی مقتدر بود و در آن قانون شریعت نادیده گرفته می شد.

دستگاه خلافت به ویژه امویان به عنوان نخستین کسانی که خلافت اسلامی را به سلطنت مطلقه موروثی تبدیل کرده بودند، بسیاری از بدعت ها را در دین وارد کردند و دست به کشتار و ظلم علیه خاندان پیامبر و غیر عرب ها و بالاخص عرب های غیراموی زدند. آن ها برای کسب وجهه دینی و اجتماعی خود، پول های زیادی به جاعلان حدیث برای تخریب مخالفان شان به ویژه علویان دادند؛ از این رو به درگیری های فرقه ای نیز دامن زدند. جانشینان آن ها یعنی خلفای عباسی نیز که داعیه عمل به احکام الهی و سنت پیامبر را داشتند، درگیر بحران ها و چالش هایی شدند که از جمله آن ها می توان به رواج فساد، اسراف و تجمل پرستی، غفلت از اداره سرزمین های اسلامی و ظهور امیران مستقل در شرق و غرب و محدود شدن قدرت خلیفه، غلبه و نفوذ عناصر قومی غیرعرب به ویژه ترکان و پیدایش هرج و مرج، اختلافات خاندانی و وقوع جنگ های داخلی بین اعضای خاندان، تعصبات دینی شدید و تضعیف علمی و فرهنگی جهان اسلام اشاره کرد (خسروی، ۱۳۸۱، صص ۷۷-۷۹). اساساً تمرکز نداشتن قدرت مرکزی در این دوران، زمینه ساز قدرت یابی عباسی در ایران، عراق و ماوراءالنهر، فاطمی در مصر و مغرب و اموی در اسپانیای اندلس شد که خود نشانه آشکاری از بحران مشروعیت در قلمرو اسلامی بود. در این زمان خلافت و حکومت اسلامی دچار ضعف و ازهم گسیختگی شده و زمینه ساز ظهور قیام های متعددی علیه دستگاه خلافت شد (بی کوچ، ۱۳۸۷، صص ۲۸۳-۲۸۴). با توجه به نحوه عملکرد نظام سیاسی حاکم و بروز مشکلاتی چون هرج و مرج داخلی، بی ثباتی و ناامنی های اجتماعی، تفرقه و تشتت سیاسی و مذهبی، قتل و سرکوب نیروها و جریان های فکری سیاسی به ویژه شیعیان، زمینه ظهور قیام های داخلی و هجوم خارجی علیه حاکمیت خلفا فراهم شد. لذا در چنین وضعیت آشفته ای، اقشار مختلف با آرای فکری گوناگون در برخورد با ریشه های نابسامانی سیاسی اجتماعی و پاسخ گویی به آن، سلسله قیام ها و جنبش هایی را به راه انداختند.

این قیام ها را می توان به دو دسته قیام های دینی اسلامی و غیردینی تقسیم کرد. البته با تضعیف تمرکز قدرت سیاسی متمرکز در جهان اسلام، نیروهای گریز از مرکز در نواحی ایران، جزیره العرب، مصر و شمال آفریقا با هدف دستیابی به زمام امور دستگاه خلافت، فعال شدند؛ بنابراین خلفا با رسمیت دادن به مذاهب چهارگانه اهل سنت، درصدد کسب مشروعیت و پایگاه

دینی برای خود بودند و به شکل ظاهری و تشریفاتی به نمایش مذهبی می پرداختند. آن‌ها به روش خشن و ظالمانه همه نیروهای مذهبی، سیاسی اجتماعی و نحله‌های فکری مخالف به‌ویژه اسماعیلیه و شیعه امامیه را با عناوینی چون رافضی و بدعت‌گذاران تحت فشار قرار دادند و سرکوب کردند (موثقی، ۱۳۸۶، صص ۲۸-۳۰).

۳-۵. آرمان‌شناسی

قیام سادات علوی علیه بیدادگری و ستمگری سرکردگان اموی و عباسی زمانی آغاز شد که بنیان‌گذار فرقه زیدیه زید بن علی بن الحسین از اهالی کوفه کمک خواست تا بر حکومت غاصب هشام بن عبدالملک خروج کنند (حکیمیان، ۱۳۴۸، ص ۴۸). حکومت علویان طبرستان به عنوان نخستین حکومتی که در شرق جهان اسلام و به دور از تأیید خلافت عباسی تشکیل شد، شناخته می‌شود. آنان همواره قیام‌های متعددی در این مناطق برپا کردند و خلفای عباسی ریشه تمام این قیام‌ها را در طبرستان می‌دیدند و آن را تهدیدی برای دستگاه خلافت در بغداد به شمار می‌آوردند؛ زیرا حکومت علویان طبرستان، الگویی برای دیگر حکومت‌های مستقل از خلافت مرکزی محسوب می‌شد؛ از این رو قیام حسن بن زید بنیادی فقهی و شیعی داشت (افندی، ۱۳۵۹، ص ۱۸۸). تمام کسانی که در قیام علیه خلافت عباسی شرکت داشتند، شیعه زیدی بودند که نه تنها تقیه را قبول نداشتند، بلکه قیام بالسیف را از ویژگی‌های امام زیدی می‌دانستند. لذا سادات زیدی و امامی همگی در ایران فضای شیعی ایجاد کردند؛ بنابراین جریان علوی تا قرن دوم هجری، جریانی کاملاً شیعی بود (جعفریان، ۱۳۹۵، ص ۳۶۱). شیعیان نظریه سیاسی خود را براساس اصل سعادت‌مندی انسان و سرشت بهنجار رفتار آدمی طرح کردند و برای رهایی از معضلات جامعه چه در حوزه فردی و چه عرصه‌های اجتماعی، نظام سیاسی مطلوب خود را در قالب امامت مستمر با مفهومی از عدالت در معنای دفع جور و ستم قرار داده‌اند.

در عرصه سیاست عملی، حقانیت امامت بر ولایت عامه نوعی عدم مشروعیت حکومت‌هایی تلقی می‌شد که ائمه را از این مقام کنار زده و خلافت را غصب کرده بودند؛ یعنی سه خلیفه نخستین پیش از علی (ع) و خلفای اموی و عباسی. این عصمت امامان بود که می‌توانست حکومتی عادلانه برای حیات بشری به ارمغان آورد و از این رو حکومت‌های غاصب ذاتاً جائز نیز بودند. این واژه به معنای ستمگر و ظالم، به صورت اصطلاحی رایج به کسانی اطلاق می‌شد که بر باطل دعوی

مقام ظاهری امامان را داشتند (مادلونگ، ۱۳۷۵، ص ۱۸۴). زیدیه امامت را به نص و تعیین وارث مربوط نمی دانستند؛ بنابراین از علویان فاطمی هرکه را در راه دعوت به دین حق اسلحه به دست می گرفت و خروج می کرد، اگر عالم و پرهیزگار می بود، شایسته عنوان امامت می شمردند؛ از این رو امامت زیدبن علی (ع) از نوادگان امام حسین (ع) را که بعد از واقعه طف برای برانداختن خلافت اموی قیام مسلحانه کرد و بر هشام بن عبدالملک خروج نمود، قبول داشتند (بیات، ۱۳۶۳، ص ۱۵۲)؛ بنابراین علویان با بهره گیری از آموزه های شیعی و تمایلات استقلال طلبانه حکومت زیدیه را در آمل بنا نهادند. این مهم یعنی تجلی یکدلی و وحدت مردم طبرستان در زادگاه خویش بر محور ضدعباسی با مهاجرانی که فرسنگ ها از زادگاه خود فاصله داشتند، از حوادث بسیار مهم تاریخ سیاسی اسلام و ایران به شمار می رود.

همان طور که پیش تر گفته شد، ارتباط علویان طبرستان با دستگاه خلافت نیز خصمانه بود؛ چراکه آنان عباسیان را اساساً غاصب حق ولایت اهل بیت دانسته و مستبدین دستگاه حکومتی می دانستند. رفتار آنان چیزی شبیه رفتار عباسیان با امویان بود. با این تفاوت که منشأ دعوت علویان میراث امامت و اعتقادات دینی شان درخصوص مسئله امامت بود (مجد، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

۴-۵. راه حل شناسی

شیعیان زیدی معتقد به قائم بالسیف در جهت عینیت بخشیدن به امامت بوده و امامت علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) و هریک از اولاد حسین (ع) را که به سیف قیام کند، واجب الطاعه دانسته اند؛ بنابراین اگر دو امام در دو قطر از اقطار اسلامی باشند، هریک در قلمرو خود امام اند (مشکور، ۱۳۷۲، ص ۲۱۵). باین حال یک گرایش از شیعه در پیدایش نهضت علویان نقش مؤثری ایفا نکرد و آن ها در فروع مذهبی نیز اختلافاتی با هم داشتند، اما در مقابل دستگاه خلافت عباسیان با یکدیگر متحد بودند. علاوه بر این علویان امامی مذهب نه تنها با زیدیان ضدیت نداشتند، بلکه آنان را در برپایی قیام علیه عباسیان حمایت و پشتیبانی می کردند. چنین می نماید که مردم در این حرکت بیشتر انگیزه سیاسی داشتند و با دستیابی به وحدت، رهایی از ستم مضاعف طاهریان، دفع سلطه آن ها، کسب استقلال و نیل به عدالت اجتماعی را دنبال می کردند (خلعتری لیماکي، ۱۳۸۲، صص ۱۷-۱۹). بعد از مرگ علی بن حسین (ع) امام چهارم شیعیان میان آنان انشعابی در گرفت و کسانی که مخالف فعالیت نکردن سیاسی ابو جعفر محمد باقر فرزند علی بن حسین (ع) و اشتغال دائم

وی به امور دینی بودند، از برادر فعال و پرشور او زیدبن علی بن حسین (ع) حمایت می کردند و او را که طرفدار اقدامات قاطع ضد امویان بود، امام پنجم شیعیان می دانستند. زیدیه همانند دیگر شیعیان معتقد به شایستگی و قدوسیّت بیشتر علی بن ابی طالب (ع) نسبت به دیگر صحابه پیامبر بودند؛ با این تفاوت که زیدیه برای امامان صفات خاص قدوسی و ظهور و تجلی الهی و غیبی قائل نبودند. تعبیر آنان درباره امامت به مفهوم اهل سنت بسیار نزدیک است؛ آنجا که امام را مدافع دین و جماعت اسلامی می دانند. آنان مانند شیعیان به امامت خاندان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) معتقدند؛ اما برخلاف شیعه امامیه، جانشینی پسر را به جای پدر شرطی ضروری نمی دانند؛ لذا هریک از اعضا اعم از حسینی و حسنی، برحسب صفات شخصی اگر عنصری فعال و پیشوایی صاحب اراده را در خود دیده باشد، یا بتواند شناخت حقوق خود را از سوی مردم کسب کند یا مقام خلافت را تملیک و تسخیر سازد، شایستگی امامت و رهبری جامعه اسلامی را به زعم آنان دارد (حقیقت، ۱۳۵۹، صص ۷-۸).

نوع جهان بینی در اسلام، دینی و توحیدی است و عدالت از گذرگاه باور دینی درک می شود. به این دلیل می توان عدالت را دارای جایگاه قدسی دانست و پشتوانه آن را فرمان و وعده الهی و به همان ترتیب پاداش خداوندی به شمار آورد. در اسلام عدالت در مفهوم کلی، وجهی وجودشناسانه دارد و جزء جوهر و سرمشق نظام هستی است. متون کلاسیک اسلامی همچون قرآن و نهج البلاغه نیز در آموزه های خود بر توجه به نیازمندان تأکید بسیار دارند و به شیوه های مختلف مؤمنان را به دست گیری از ناتوانان و بینوایان سفارش کرده اند که به زعم برخی از تحلیلگران چنین توجه و تأکیدی در اسلام به منزله رعایت «عدالت اجتماعی» است (Izutsu, 2002, p55). قرآن هنجارهای سازمان قبیله ای و مبتنی بر شئون اجتماعی جاهلیت را مردود اعلام کرد و به جای آن، پیوند دینی امت محور را برپا نهاد و مؤمنین را برادران یکدیگر اعلام کرد و بر وحدت و سازش بین آنان تأکید گذاشت (حجرات: ۱۰).

اصل مالکیت از آن خداوند است و تملک انسان بر چیزها از نوع مالکیت استخلافی است. همان طور که در قرآن آمده است، هرآنچه در زمین و آسمان است، به خداوند تعلق دارد و از آنچه خداوند به انسان به صورت امانت اعطا کرده است، برای دیگران صرف کنید (آل عمران: ۱۰۹). در اسلام مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شده است. اما ضمن قبول آن و بهره مندی شخص از

ثمره کار و اموال خود، وی را به عنوان امانت دار در برابر منافع جمع مسئول دانسته است. امانت دار بودن بشر این وظیفه را بر عهده او گذاشته است که از امانت الهی آن طور بهره گیرد که فرمان خداوند است (Yamani, 2002, p5-30). درباره بُعد برابری خواهانه عدالت نیز در نهج البلاغه سخنان فراوانی گفته شده است. فرازهایی از نامه علی (ع) به مالک اشتر شاهی بر این مدعاست و اشاره به این نامه از این جهت حائز اهمیت است که آن را نباید تنها یک نامه ساده دانست؛ بلکه بیانیه‌ای سیاسی در باب اصول و شیوه‌های حکومت‌مداری و حکمرانی است (Shah-kazemi, 2006, p61) که بسیاری از اصول عدالت اجتماعی در نگرش تشیع از جمله برابری شهروندی، برابری در حقوق اساسی، برابری در مشارکت سیاسی، برابری در قانون را یکجا دارد.

همان‌طور که از احادیث و متون کلاسیک اسلامی فهم می‌شود، بر اهمیت عدالت در ابعاد مختلف تأکید فراوان شده است. چنانچه در تعبیری ظریف آمده است که عدالت شیرین‌تر از آبی است که تشنه‌کام به آن دست یافته است. به تعبیر امام صادق (ع) نیز مردم به سه عنصر امنیت، دادگری و فراوانی نیاز دارند و بهترین پادشاه کسی است که سه خصلت مهربانی، بخشندگی و دادگری را داشته باشد. در ادامه نیز آورده است که برای حکام روا نیست که در سه چیز کوتاهی کنند؛ نگهداری مرزها، دادرسی شکایات و انتخاب شایستگان برای انجام امور. همین‌طور ستم‌کننده و آنکه به ستم او خشنود است و آنکه حتی او را در ستمکاری یاری می‌کند، شریک یکدیگرند. ایشان فرموده است که یاوران ستمکاران روز رستاخیز در سراپرده‌ای از آتش هستند (ابن شعبه الحرانی، ۱۳۶۳، صص ۳۱۹-۳۲۰).

یکی از عوامل مؤثر جذب توده‌های مردم به تفکر شیعی، جهت‌گیری مثبت و اسلامی نهضت‌های شیعی و وجود جنبه‌های اعتدالی و عدالت‌خواهی آن برخلاف حرکت خوارج بود. شیعه که در دوره‌ای طولانی نقش یک اقلیت انقلابی را داشت، در چهارچوب آموزه‌های خود محملی برای مبارزه با سلاطین جور و ستمگران بود و این طرز تلقی را از مبارزات امام علی (ع) ضد طغیان و شورش‌های داخلی می‌گرفت. لذا شیعه هم در فقه و هم در عمل موضع ضد ظلم و مقابله با خلفای ظالم را داشت. این موضعی بود که با شدت و ضعف در تمامی مدت حکومت امویان و عباسیان ادامه یافت و همیشه فضای مبارزه را ضد ستم و دفع جور مشروعیت می‌بخشید (جعفریان، ۱۳۹۵، صص ۱۴۰-۱۴۱). اساس مشترکات فرق مختلف شیعه، دوستی با خاندان اهل

بیت و امامت بر حق علی بن ابی طالب (ع) بود.

دو خصلت برجسته امام علی (ع) باعث شد تا مردم بدان گرایش پیدا کنند: یکی آنکه دشمن اشراف و ثروتمندان مردم خوار بود و دیگر آنکه عواطف انسانی درخشانی داشت و رنج و ستم به انسان‌ها را بر نمی تافت و دادِ مظلوم نمی خواست و با ظالم در هر موقعیتی مبارزه می کرد. نخستین خصلت ایشان مردم ستم‌زده و محروم و دومین خصلتش ملت‌های غیر عرب و به‌ویژه ایرانیان را به وی جلب می کرد و وابسته می ساخت (انصاف‌پور، ۱۳۵۹، ص ۲۱۱).

جنبه سیاسی نهضت علوی در وهله نخست نفی سلطه طاهریان در منطقه بود که بر جهات دیگر ترجیح داشت و موفقیت داعی کبیر بیشتر به این عامل بستگی داشت. بیعت مردم ساری و آمل نیز با توجه به همین رویکرد بود. داعی کبیر پس از آزادسازی طبرستان از سلطه طاهریان و دفع خطر از سوی آنان، در سال ۲۵۲ هجری به منظور گسترش جنبه مذهبی نهضت، فرمانی به حکام تحت فرمان صادر کرد (خلعبری لیماکی، ۱۳۸۲، صص ۲۱-۲۲). داعی کبیر پس از آنکه بر دشمن پیروزی یافت و در ساری آشوبگران را فرونشاند، به ترویج مذهب شیعه همت گماشت و به سوی فرمانداران و بخشداران بخشنامه فرستاد که مردم طبرستان را به کتاب خدا و سنت پیامبر وادار کرده، به طریقی که در اصول و فروع دین از رفتار و گفتار علی بن ابی طالب (ع) پیروی کنند و از عقیده جبریه و مشبهه دوری گزینند و در اذان و اقامه «حی‌علی خیرالعمل» گویند (مهبجوری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳). وی را بدین جهت لقب «داعی» یا «داعی‌الی‌الحق» گفته‌اند که مردم را به دین حق و مذهب تشیع دعوت می کرد و پس از آنکه در آمل استقرار یافت، جشن بزرگی به‌منزله پیروزی بر دشمنان و اعلام رسمی حکومت بر قلمرو مازندران گرفت و مقاصد و اهداف حکومت نوپدید را به سراسر قلمرو نفوذ خود اعلام داشت. بخشی از آن بدین قرار است: ۱. به کتاب و سنت رسول اکرم (ص) و آنچه از امیرالمؤمنین علی (ع) در اصول و فروع دین رسیده است، عمل کنند؛ ۲. آن حضرت را بر همه ائمه معصومین برتر بدانند؛ ۳. اعتقاد به جبر و تشبیه خدا به جسمانی را کنار بگذارند؛ ۴. از ظلم و ستم و تحکم نسبت به شیعیان اجتناب ورزند؛ ۵. در مقابل هرگونه ظلم و جور زمان ایستادگی کنند؛ ۶. طبق مذهب تشیع در اذان «حی‌علی خیرالعمل» گفته و «بسم الله الرحمن الرحیم» را در نماز واجب به طرز آشکاری بگویند؛ ۷. از نقل روایت در فضیلت و برتری دشمنان علی بن ابی طالب (ع) خودداری کنند (ر.ک: موحد ابطحی، ۱۳۸۴، صص ۳۸۴-۳۸۵). علویان علاوه بر

اینکه شیفته اهل بیت پیامبر(ص) بودند و در برابر فشارها و ظلم حاکمان اموی و عباسی از خود مقاومت نشان می دادند، مظهر مظلومیت نیز شناخته می شدند. لذا مردم که این ظلم ها و در مقابل، مظلومیت علویان را می دیدند، به آنان گرایش پیدا می کردند. قیام های علویان که بعد از زید بن علی(ع) به طور عمده جنبه شیعه زیدی داشت، مدت ها تداوم یافت و در سرزمین های اسلامی دیگر هم از جمله حجاز و عراق اشاعه یافت (جعفریان، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲). چنین تفکر عدالت خواهانه و ظلم ستیزانه در قالب سنت شیعی، ارائه کننده الگویی برای تمدن سازی اسلامی در تمامی ادوار و اعصار می تواند باشد؛ چراکه ستمگری و ستم پذیری هر دو به یک اندازه نارواست و جریان های انقلابی هم زمانی می توانند در برابر جور و ستم مثمرتر باشند که یک پشتوانه نظری و مستدل در تفکر داشته باشند. آن بنیان مستدل اعتقادی و کلام سیاسی شیعی، مسئله تداوم خط امامت تا استقرار عدالت است.

حکومت سیاسی مذهبی زیدیان علوی در طبرستان، راه نفوذ قطعی اسلام را به این سرزمین هموار کرد. در واقع علویان طبرستان سهمی را که خلفای بغداد با جنگ و جدال نتوانستند انجام دهند، با درایت و تدبیر به انجام رساندند (حکیمیان، ۱۳۴۸، ص ۷۱). زید با این رویکرد مردم را به پیروی از کتاب و سنت و جهاد با ظلم و دفاع از مظلوم دعوت می کرد. این دعوت به بیعت در این فرقه همانند بیعت با مختار در جلب موالی، شیعه و خوارج تأثیر بسزایی داشت. گستره دعوت وی علاوه بر کوفه، بصره و مداین، موصل و واسط در خراسان و گرگان و ری را نیز در بر گرفت (انصاف پور، ۱۳۵۹، ص ۲۱۳). آنچه در سیر عملی علویان در کتاب سیری در تاریخ علویان غرب مازندران آمده این است که علویان طبرستان هیچ کدام در حد وظایف تعریف شده برای «داعی» عمل نمی کردند و آن ها به جهاد تهاجمی می پرداختند. علویان طبرستان همگی علیه ستمگری و ستم پذیری قیام به شمشیر کردند و رهبری نهضت و تشکیل حکومت را از این طریق به دست گرفتند (خلعبری لیماکی، ۱۳۸۲، صص ۳۰-۳۱).

نتیجه گیری

مسئله امامت در تعالیم اسلامی و تفکر شیعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و شأن و جوب آن به وجوب کلامی به معنای برگشت آن به یکی از صفات الهی است؛ یعنی وجوب مقتضای

عدل، حکمت، لطف و دیگر صفات خداوندی، به مقام امامت ضرورت و الزام می‌بخشد؛ لذا نبود آن باعث نقص در وجود خداوند می‌شود که چنین امری محال است. این طرز تلقی از حکومت و رهبری جامعه اسلامی در تفکر شیعی و ارتباط وثیق آن با تمدن‌سازی اسلامی، دغدغه مقاله حاضر را در پی داشته است که با یک مصداق تاریخی یعنی شکل‌گیری حکومت علویان طبرستان، موردکاوی شده است.

بعد از حمله اعراب به ایران و استقرار حکومت‌های اموی و عباسی، خلفای غالب و فرمانروایان غاصب آن‌ها هیچ‌گاه موفق به تسلط کامل بر دیلم و طبرستان نشدند و در اثر مبارزه‌جویی و مقابله آن‌ها در برابر عباسیان، دشمنی آشکاری بین آنان وجود داشت. در اثر این دشمنی‌ها، علویان که در بین مردم ایران مورد قبول بودند، به سرزمین خراسان، دیلم و طبرستان به‌ویژه نقاط کوهستانی و صعب‌العبور آمدند و در آنجا اقامت گزیدند. لذا اقدامات و فعالیت‌های آزادی‌خواهانه و رهایی‌بخش آنان گاهی آشکار و پنهان ضد حکام مستبد عباسی در ایران و به‌ویژه نواحی کوهستانی شمال و شمال شرق در قرون نخستین اسلامی درخور توجه است. یکی از این ابعاد مورد بحث، تشکیل حکومت مستقل از مرکز دستگاه خلافت بغداد است که خود نشان از مبارزه و مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و ستم‌پیشگی‌های امرا و خلفای عباسی دارد. نوشتار حاضر این امر را در عقاید و باورهای کلام سیاسی شیعه از یک‌سو و ساختار و عملکرد ناکارآمد دستگاه خلافت عباسی از سوی دیگر در جهت بحث امامت در سنت شیعی و فرقه زیدیه و غایت تشکیل حکومت برای رهایی از جور و ستم و تلاش برای استقرار عدالت اجتماعی جست‌وجو کرده است.

خلفای عباسی در منش و رفتار تناقضات بسیاری داشته‌اند. آن‌ها خلافت خویش را میراثی از پیامبر و خود را جانشینان بر حق آن حضرت می‌دانستند و به شعری که در وصف آنان اشعاری می‌سرودند، هزاران دینار می‌دادند؛ اما در عین ادعایشان به خویشاوندی با رسول(ص) زندگی مملو از فساد و منکرات و تجمل داشتند و کاخ‌هایشان پر از کنیز و برده بود و خراجشان به غرب تا شرق سرزمین بغداد و دیگر مناطق تحت فرمان ارسال می‌شد. این نوع رفتار متظاهر و متناقض، منجر به بدبینی و نارضایتی مردم نسبت به آنان شد و حسن‌بن‌زید توانست با همکاری خاندان‌های محلی این منطقه بسیاری از مناطق را از دست کارگزاران خلفا خارج کند و در سال ۲۵۰ هجری

حکمرانی خود را مسجّل سازد. به هر روی، برابند تلاش‌های مستمر علمای شیعی و حکام جامعه اسلامی تحت لوای آموزه‌ها و تفکرات مذهب شیعه و برجسته بودن وجه عدالت‌خواهانه و بسیج‌گر مردم علیه حاکمان ستمگر، الگویی برای حکومت‌های تمدن‌ساز اسلامی پس از خود شد که نه هیچ ستمی به کسی وارد آید و نه هیچ ظلمی را بپذیرند یا با آن همراه شوند.

اساساً تمام قیام‌های شیعیان نه برای سلطه و حکومت جابرانه بلکه برای احیای دین و رفع جور و ستم خلفا نسبت به خاندان هاشم و اهل بیت نبوت (ع) و تجدید سنن رسول (ص) صورت می‌گرفت. درواقع در نگاه اعتقادی و به بیان دقیق‌تر، فلسفه تاریخ شیعه، نزاع همیشگی بین دو جبهه حق و باطل است که تا به امروز نیز در وجوه مختلف ادامه دارد و در سلسله امامت مستمر به عدالت و وحدت که همانا حق است، می‌انجامد. بسترهای اعتقادی شیعه بر مبنای جهان‌بینی توحیدی با تشکیل حکومتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، آرمان مقابله با هرگونه بی‌عدالتی و ستم‌پیشگی را دارند و برای تحقق عملی آن تلاش می‌کنند. ازاین‌رو بر این باورند که تمدن‌ها بدون وجود جریان مداوم انقلاب و دگرگونی که نشانگر نظام اصلاح و بهبود اوضاع است، امکان ادامه حیات نخواهد داشت و رژیم‌های ستمگر نیز در این میان، با اغراض غیرانسانی و منفعت‌طلبانه، گستره‌ای از بی‌عدالتی را در جهان رقم می‌زنند. تنها در این شرایط است که طرح یک الگوی تمدن‌ساز اسلامی در جهانی پر از آشوب و ظالم‌پرور و ظلم‌گستر ضرورت می‌یابد. این الگو را می‌توان از حافظه تاریخی ایران اسلامی استخراج و سپس تئوریزه نمود و به آیندگان معرفی کرد. این ظرفیت‌های تمدن‌ساز تاریخ ایران اسلامی در قالب نهضت انقلابی شیعه و مقابله با هرگونه جور و ستم در هر عصر و زمانی، نقشه راهی است برای حیات بشری امروزی تا بتواند با الگوبرداری آن، در پیشبرد اهداف اسلام و به کمال رساندن انسان گام بردارد.

مسئلاً چشم‌انداز تمدنی در بستری از عقاید اسلامی خاص و متفاوت از دیگر ایدئولوژی‌ها، زمینه‌ساز الگوی تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر می‌تواند باشد. آرمان‌شهری که شیعه آن را دنبال می‌کند، تنها در قالب رهبری امام معصوم و جانشینان شایسته آن‌ها در عصر غیبت تحقق می‌یابد؛ چنان‌که یکی از خصایص رهبر جامعه اسلامی عدالت است؛ هم در معنای عدالت اجتماعی و رعایت برابری و مساوات و هم به معنای دفع جور و ستم زمان و حمایت از مظلومان جهان. بنابراین نوشتار حاضر در جهت تحقق ظرفیت‌سنجی این مهم، حکومت تمدن‌ساز اسلامی

را در قالب امامت شیعی و مسیر عدل الهی به معنای مبارزه با جور و ستم و رفع بی‌عدالتی ارزیابی کرده است. بنابراین عدالت در این تعبیر نه تنها محدود به برابری و تساوی نیست، بلکه شامل دفع جور و مبارزه با هرگونه ظلم و ستم نیز می‌شود. در مجموع می‌توان با وفاداری به مدل تحلیلی ارائه شده در مقاله، نتایج را در یک جدول عرضه کرد.

جدول (۱): تحلیل اسپریگنزی از خیزش علویان طبرستان با نگاهی به بسترهای اعتقادی شیعیان زیدی (طرح نگارندگان)

روش چسبانی اسپریگنزی در چهار محور				
عقاید و باورهای شیعیان زیدی	واقع‌شناسی	آرام‌شناسی	تعلق‌شناسی	مستقل‌شناسی
وحدت امام برای نظم پایدار در جامعه اسلامی معجز است و امامت واجب شرعی است؛ حتی برای امامت علی‌ا. حین‌ا و حسین‌ا بکار رفته است؛ امامت استمرار بحث نبوت است؛ اعتقاد به نفس‌هایی که پسر اسرا برای علی‌ا بکار برد و آن حضرت بقیه معصیعت به طور پنهان به اصحاب خاص خویش سپرده است؛ امامت زمام امری‌ا و بعضی‌ین زید و محمد نفس زکیه و دیگرانی که به چهار طایفه پیرزاده، میرزا قبول است؛ خلافت مطلق با وجود و رضایت اهل‌بیت جایز است پس هجرت علی و مبارزه مصلحت و همچنین فاطمی بودن شرط لازم است؛ هر که از طوایف فاطمی که در راه دعوت به حق سلاح برآورد و خروج کند، اگر عالم و پرهیزگار باشد، شایسته عنوان امامت است؛ چشمتی پس به جای پدر شرط ضروری نیست و امامت به نفس و عصمت و اولاد بستگی ندارد؛ شرط عصمت برای امام است اگرچه نبوده و در بعضی ادوار تاریخ دنیا می‌تواند از امام جانی باشد.	رد هر گونه سبکدوشی و سبکدوشی و متعصب و شکل‌گیری دولت‌های مسیح‌گرا به منظور دفع چهر و ستودن استقرار حکومت عدل الهی در سراسر رهبری و ادب‌پاشی امام دینی قانون عدل توسط رهبر جامعه از آن‌ها است؛ انتظاری شیع و نهضت فاطمی نسبی دارای استقلال و طاعت و رعایت‌نهاد است؛ پس استیلا بر تمام رهبر و گروه فاطمی و دور زمان، تنها راهی است که مردم متعصبانه هر عصر باید بدان توجّه آورند.	رهبری جامعه اسلامی توسط مقام امامت مستقر و در ادامه نبوت؛ آشنی بین دین و دین و پیوند سیاست با شریعت؛ اجرای صحیح قانون شرع به منظور استیلا بر آن؛ به مصلحت حقوقی حفظ وحدت جامعه مسلمان از طریق رهبری و رعایت امام و عقاید با هر گونه بی‌عدالتی در معانی گسترده‌تر دور و ستو زدن از طریق قیام و خورش همگانی در محرومیت ادب‌پاشی امام که مردم متعصبانه هر عصر باید بدان توجّه آورند.	فقدان سیاست نوین و عدم اجرای صحیح احکام شریعت؛ دستگاه خلافت حرامی جامع حق و ولایت اهل‌بیت‌ا بوده و تائیدکننده جانشینی پسر اسرا را نداشتند؛ حکومت فاقد اصالت دینی در ظاهر و نوعی با انواع بدعت‌های تاریخی در امورهای اسلامی؛ سیاست مبنی بر پایتختی و تزلزل و بی‌ثباتی و بی‌عدالتی حکام دستگاه خلافت و اثراتی منفی تحت فرمان‌داری افزایش و تشدید نزاع ریشه‌دار بین گروه‌های طوایف؛ و محدودیت با سیاست‌های دشوار و متعصب دستگاه خلافت نسبت به آن‌ها.	استدلال دستگاه خلافت و افزایش نیروهای گریز از مرکز؛ عدم وحدت در میان مسلمانان؛ شکل‌گیری دولت‌های مستقل و پراکندگی قدرت؛ نصب جانشینی پسر و خلافت اهل‌بیت‌ا و به حلقه رابان اهل‌بیت از قدرت نزاع بین معزین و اهل‌بیت در یک دوره طولانی که جامعه اسلامی را به یک تفرق و پیکار نظری و فکری کشاند؛ عدم اعتماد عمومی به حلقه و افزایش توتر و ریز؛ عدم اعتماد در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های دستگاه خلافت؛ دریافت حراج‌های سنگین از مردم و استفاده بی‌رویه آن در سراسر قلمرو تحت فرمان؛ عملکرد بی‌خلاف ادب‌پاشی - خوشنویسی یا رنسانس ادب‌پاشی در جانشینی ایشان - و نوع رفتار متعاطف و متفلسف آن‌ها منجر به بدبینی و نارضایتی مردم شد.

تشکر و قدردانی:

این مقاله از طرح پساداکتری دانشگاه مازندران با شماره قرارداد ۲۰۳۷۳۵۵ استخراج شده است.

تضاد منافع:

نویسندگان تضاد منافع اعلام نکرده‌اند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن اسفندیار، محمد بن حسین (۱۳۶۶). *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۵۳). *معالم العلماء*، تهران: مطبعه فردین.
- ابن شعبه الحرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول*، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۳). *تاریخ طبرستان (التدوین فی الاحوال جبال شروین)*، تصحیح میترا مهر آبادی، تهران: دنیای کتاب.
- اسپرینگز، توماس (۱۳۹۸). *فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی*، تهران: نشر آگه.
- اسلامی، حسین (۱۳۹۰). *تاریخ مازندران (از آغاز تا کنون)*، ساری: شلفین.
- اسلامی، عبدالصمد (۱۳۷۰). *قیام خونین شیعه در طول تاریخ اسلام*، تبریز: ترقی.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۳۵۹). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به تحقیق سیداحمد الحسینی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۵۹). *روند نهضت های ملی و اسلامی در ایران (از اسلام تا یورش مغول)*، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- برزگر، اردشیر (۱۳۸۰). *تاریخ تبرستان*، به تصحیح و پژوهش محمد شکری فومشی، تهران: نشر رسانش.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳). *مسئله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپرینگز، پژوهش حقوق و سیاست*، ۶ (۱۲)، ۴۵-۷۴. https://qjpl.atu.ac.ir/article_2953.html
- بیات، عزیز الله (۱۳۶۳). *از عرب تا دیالمه*، تهران: گنجینه.
- بی کوچ، جورج (۱۳۸۷). *ابن سینا (نابغه ای از شرق)*، به ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: نگارستان کتاب.
- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) (۱۴۰۹ هـ)، قم: مدرسه امام مهدی (عج).

- جابری، محمد عابد (۱۳۹۱). *خوانشی نوین از فلسفه مغرب و اندلس*، به ترجمه سیدمحمد آل‌مهدی، تهران: نشر ثالث.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۵). *تاریخ تشیع در ایران* (از آغاز تا پایان قرن نهم هجری)، تهران: نشر علم.
- جعفریان، رسول (۱۴۰۰). *تاریخ ایران* (از آغاز اسلام تا پایان صفویان)، تهران: نشر علم.
- جهانی‌نسب، احمد (۱۴۰۱). *چهار گفتار در باب نظریه پردازی دولت: سنت آگوستین، ابن‌سینا، ابن‌خلدون و ماکیاوولی*، ساری: هاوژین.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۵۹). *جنبش زیدیه در ایران*، تهران: آزاداندیشان.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۴۸). *علویان طبرستان: تحقیق در احوال، آثار و عقاید فرقه زیدیه ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خسروی، محمدرضا (۱۳۸۱). *سیر تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی.
- خلعتبری لیمانی، مصطفی (۱۳۸۲). *سیری در تاریخ علویان غرب مازندران*، تهران: نشر رسانش.
- رضوی، ابوالفضل، و آذر، سعیده (۱۳۹۵). *عوامل اقتدار و مشروعیت حکومت علویان طبرستان*، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۶(۲۳)، ۲۷-۴۷.
<http://doi.org/20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4>
- شایسته‌آذر، مهناز (۱۳۸۱). *علل روی آوردن علویان به مازندران. تحقیقات اسلامی*، ۱۴(۱ و ۲)، ۲۵۱-۲۶۳.
<http://ensani.ir/fa/article/46256/>
- شجری، رضا و پیری، آناهیتا (۱۳۹۸). *در دانشنامه تبرستان و مازندران*، تهران: نی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۸). *تاریخ‌الرسل و الملوک (تاریخ طبری)*، به ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طباطبایی، جواد (۱۳۶۷). *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: کویر.
- علی‌نقی، جعفر، و رهدار، احمد (۱۴۰۳). *ضرورت‌شناسی مطالعات تمدنی در اندیشه امامت، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۷(۱)، ۱۹۶-۱۷۷.
<https://doi.org/10.22070/nic.2024.18631.1284>

- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۳۸۵). تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری، قم: وثوق.
- کریمیان، حسین (۱۳۶۴). سیر و قیام زید بن علی (ع)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کنارودی، قربانعلی (۱۳۹۸). در دانشنامه تبرستان و مازندران، تهران: نی.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۵). مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، به ترجمه جواد قاسمی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجد، مصطفی (۱۳۸۶). ظهور و سقوط علویان طبرستان، تهران: نشر رسانش.
- موحد ابطحی، علی (۱۳۸۴). جلوه‌های تشیع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر، قم: حبل المتین.
- موثقی، احمد (۱۳۸۶). جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲). فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- معلمی، مصطفی (۱۳۹۸). در دانشنامه تبرستان و مازندران، تهران: نی.
- مهجوری، اسماعیل (۱۳۸۱). تاریخ مازندران، تهران: توس.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۸۲). سرگذشت علویان طبرستان و آل زیار: به روایت تاریخ طبرستان اثر بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، تهران: اهل قلم.
- نقابی، محمد (۱۳۹۳). مناسبات شیعیان امامی و زیدی در دوره علویان طبرستان و آل بویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد.
- یآوری سرتختی، محمد جواد (۱۳۹۸). ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر پنج قرن نخست هجری). مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲(۱)، ۲۶۳-۲۹۲.
<https://doi.org/10.22070/nic.2019.907>

References

- Holy Quran
- Afandi, A. (1980). *The Gardens of scholars and the pools of the virtuous*, researched by Hosseini Seyyed, A., Qom, the library of Marahi Najafi [In Persian].

- Alinaqi, J., & Rahdaar, A. (2024). "Necessity of civilizational studies in Imamate thought" *Basic studies of novel Islamic civilization*, 7, vol.1, pp. 177-196.
- Barzagar, A. (2001). *History of Tabaretan*, edited and researched by Shokri Fumashi, M., Tehran, Resaneh Publishing [In Persian].
- Barzegar, E. (2004). The Issue of Palestine in the political thought of contemporary Islam and Spriggans' research method, *Policy and Law Research*, 6, vol. 12. https://qjpl.atu.ac.ir/article_2953.html [In Persian].
- Bayat, A. (1984). *From Arab to Dialame*, Tehran: Ganjineh [In Persian].
- Bikuch, G. (2008). *Avecinna* (A genius from the East), translated by Mansouri, Z., Tehran, Negarestane Ketaab Publishing [In Persian].
- Ensaafpour, G. (1980). *The Trend of Islamic and national revolutions in Iran* (from Islam till Mongol's invasion). Tehran: Islamic revolution education and publication organization [In Persian].
- Eslami, A. (1991). *Bloody uprising of Shiites during the history of Ilam*, Tabriz, Taraqi Publishing [In Persian].
- Eslami, H. (2011). *The History of Mazandaran* (from the beginning to now), Sari, Shelfin Publishing [In Persian].
- Etemad-Al- Saltane, M. (1994). *History of Tabarestan* (blog the conditions of the mountains of Sharwin), edited by Merhabadi, M., Tehran, the World of books Publishing [In Persian].
- Faqih Mohammadi Jalali, M. (2006). *History of burial and graves in Sari city*, Qom, Vosouq Publishing [In Persian].
- Hakimian, A. (1969). *Alavid of Tabarestan: A research on the situations, works, and beliefs of Zaidi government in Iran*, Tehran, University of Tehran Publishing [In Persian].
- Haqiqat, A. (1980). Zaidi movement in Iran, Tehran, *Azadandishan Publishing*. <https://doi.org/10.22070/nic.2024.18631.1284> [In Persian].
- Ibn Shahr Ashun, M. (1974). *Scientists' landmarks*, Tehran, Matbae Fardin Publishing [In Persian].
- Ibn Shob-Al-Harrani, H. (1984). *Minds are busy with the Messenger*, edited by Qafaari, A.A., Qom: Islamic publications institute [In Persian].
- Ibn-Esfandiar, M. (1987). *The history of Tabarestan*. Edited by Eqbaal A. A., Tehran, Padide Khaavar Publishing [In Persian].

- Interpretation attributed to Imam Hasan Asgari (1988). Qom, Imam Mahdi school [In Persian].
- Izutsu, T. (2002). *Ethico- Religious Concepts in the Quran*, Montreal: McGill-Queens University Press.
- Jaberi, M. (2012). *A novel reading of Maghreb and Andalusian philosophy*, translated by Al-Mohammad seyyed, M., Tehran, Sale Publishing [In Persian].
- Jafarian, R. (2016). *History of Shiism in Iran* (from the beginning till the end of ninth century [hijri]), Tehran, Elm Publishing [In Persian].
- Jafarian, R. (2021). *History of Iran* (from the beginning till the end of Safavid era), Tehran, Elm Publishing [In Persian].
- Jahaaninaab, A. (2022). *Four chapters on theorization of state: Saint Augustin, Avicenna, Ibn-Khaldun, Machiavelli, Sari, Havzhin Publishing* [In Persian].
- Karimian, H. (1985). *Zeid-Ibn- Ali's uprising*, Tehran, cultural and scientific Publishing [In Persian].
- Kenaroudi, Q. (2019). *Encyclopedia of Tabarestan and Mazandaran*, Tehran: Ney Publishing [In Persian].
- Khalatbari Limani, M. (2003). *Trend of the Avalid history in wetern Mazandaran*, Tehran, Reanesh Publishing [In Persian].
- Khosravi, M. (2002). *Trend of Islamic history, culture, and civilization*, Tehran, Planning and education of human resource center [In Persian].
- Madlong, W. (1996). *Islamic chools of thought in the middle centuries*, translated by Qasemi, J., Mahhad: Islamic research institute, Astan Qods Razavi [In Persian].
- Mahjouri, E. (2002). *History of Mazandaran*, Tehran, Toos Publishing [In Persian].
- Majd, M. (2005). *Emergence and decline of Alavid in Tabarestan*, Tehran, Resanesh Publishing [In Persian].
- Mashkour, M. (1993). *Culture of Ilamic sect*, Mashhad, Astan Qod Razavi [In Persian].

- Mehrabadi, M. (2003). *History of Alavid of Tabaretan and Al-Ziar: a narration of history of Tabarestan* by Baha-al-din Mohammad-Ibn Hosein-Ibn Esfandiar, Tehran, Ahle qalam Publishing [In Persian].
- Moallemi, M. (2019). *Encyclopedia of Tabarestan and Mazandaraan*, Tehran, Ney Publishing [In Persian].
- Movahed Abtahi, A. (2005). *Manifestations of Shiism in Mazandaran from the beginning to Qadir decade*, Qom, Hab-Al-Matin Publishing [In Persian].
- Movasaghi, A. (2007). *Contemporary Islamic movements*, Tehran, Samt Publishing [In Persian].
- Neqaabi, M. (2014). Relation between Imami and Zeydi Shiites in the era of the Alavids of Tabarestan and Al-e-Buye, M.A. thesis, department of History, University of Ferdowsi, Mashhad [In Persian].
- Razavi, A., & Azar, S. (2016). "Factors of Alavid authority and legitimacy", *History of Islam*, 6, vol. 23, pp 27-47.
<http://doi.org/20.1001.1.22519726.1395.1.23.2.4> [In Persian].
- Shah-kazemi, R. (2006). *A sacred conceotion of Justice: Imam Alis lerrer to Malik Al-Ashter in: sacerd foundation of Justice in Islam*, Bloomington: Indiana University.
- Shajari, R., & Piri, A. (2017). *Encyclopedia of Tabarestan and Mazandaran*, Tehran, Ney Publishing [In Persian].
- Shayesteh Azar, M. (2002). "Reasons of Alavid turning to Mazandaran", 1 and 2, pp251-263. <http://ensani.ir/fa/article/46256/> [In Persian].
- Spriggans, T. (2019). *Understanding political theories*, translated by Rajaaei, F., Tehran, Aghah Publishing [In Persian].
- Tabaatabaaei, J. (1988). *A philosophical introduction to the history of political thought*, Tehran, Kavir Publishing [In Persian].
- Tabari, M. (2009). *History of the Apostles and kings*, translated by Payande, A., Tehran, Asaatir Publishing [In Persian].
- Yaavari artakhti, M. (2019). "Potentials of Imami educational system in advancement of Islamic culture and civilization (emphasizing the first 5 centuries [Hijri])", *Baic studies of novel Islamic civilization*, 2, vol.1, pp. 263-292. <https://doi.org/10.22070/nic.2019.907> [In Persian].
- Yamani, A. (2002). Social Justice in Islam, *Islamic Studies*, Vol.41, No.1(Spring), pp. 5-34.